

# تحلیلی امنیتی بر روندها و چالش‌های انتخابات ۷ اسفند

دکتر میرقاسم بنی‌هاشمی\*

## اشاره:

فرایندهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی همواره با سطحی از چالش و ناامنی مواجه بوده است. نوشته حاضر برخی زمینه‌ها و منطق چالش‌ها در مرحله قبل از اخذ آرا در سطح مناقشات کلامی بین نهادها، مقامات نظام و نیز جریان‌های سیاسی و اجتماعی و نیز چگونگی امنیتی شدن موضوعات انتخاباتی و نهایتاً صورت‌بندی آرایش جناح‌های سیاسی را به اختصار ارزیابی می‌نماید.

## مقدمه

مطالعات اخیر درباره نسبت رقابت‌های انتخابات و چالش‌های امنیتی نشان می‌دهد که گونه‌های مختلف انتخابات رقابتی و غیررقابتی در جوامع مختلف پیامدهای امنیتی متمایزی دارد. پژوهش‌ها تأکید دارد که نظام‌های انتخاباتی یا نوع مکانیزم‌های برد-باخت، شیوه‌ها و الگوی سازوکارهای نظارتی و اجرایی انتخابات و نیز الگوی فرهنگ سیاسی رقابت‌نخبگان و توده‌ها از عوامل مهم پدیداری تعارضات و بی‌ثباتی سیاسی در انتخابات رقابتی می‌باشد. مطالعات میدانی کولبیر و پژوهش‌ها در ۱۱۸ کشور نشان می‌دهد که در جوامع ناهمگن در بنیان‌های ایدئولوژیکی دولت و انسجام اجتماعی، چنان که جریان‌های رقیب در انتخابات از یک سو قواعد، الزامات و استانداردهای انتخابات را نادیده بگیرند و از سوی دیگر نتایج رقابت‌های انتخاباتی را نپذیرند، اجتناب از منازعات بی‌سرنوشت ممکن نیست در حالی که انتخابات امن در

سایه رعایت قواعد دمکراتیک و پیدایش ظرفیت‌ها و زمینه‌های دمکراسی به وجود می‌آید. در این چارچوب برخی عوامل ساختاری و کارگزاری مانند عدم التزام مقامات و نهادها، اجرایی و نظارتی به اصول بنیادینی مانند «قانون و رویه‌های حقوقی غیرقابل تفسیر»، اصل «بی‌طرفی و انصاف» و نیز عدم شکل‌گیری احزاب پایدار زمینه‌های مهمی برای ظهور چالش‌های امنیتی می‌باشد، زیرا رفتارهای غیرقاعده‌مند و رقابت غیرنهادمند امکان پیش‌بینی روندها و تحولات آتی و رفتارهای انتخاباتی مسئولانه را به شدت کاهش داده و نااطمینانی و عدم قطعیت‌ها را در عرصه سیاست تقویت می‌کند.

از این رو مفروض نوشته حاضر این است که علاوه بر کارکردهای ایجابی و امنیت‌ساز، چهره دیگر انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، پدیدارسازی سطوح مختلفی از بی‌ثباتی سیاسی و بستری برای وقوع رخدادها، مسائل و چالش‌های امنیتی و تهدیدات سیاسی و اجتماعی بوده است که متأثر از نوع کنش‌گری و رفتار سیاسی سه ضلع اصلی انتخابات؛ (۱) کارگزاران اجرایی-نظارتی و دیگر نهادها، حاکمیتی، (۲) سیاستمداران و جناح‌های سیاسی و (۳) مردم و گروه‌های اجتماعی می‌باشد. هر چند نقش دیگر عوامل فراملی مانند کشورها، سازمان‌های بیگانه و اپوزیسیون خارج را در شکل‌گیری الگوی خاصی از چالش‌ها و رفتار انتخاباتی نمی‌توان نادیده گرفت، ولی با توجه به تجارب ۳۴ دوره انتخابات در جمهوری اسلامی، مهمترین مسائل انتخاباتی در ایران تحت تأثیر نوع تعامل و نیز کنشگری سه

ضلع یاد شده بوده است و با توجه به این الگوی تعامل، چند وضعیت سیاسی - امنیتی را می‌توان ترسیم نمود؛ (۱) انتخابات نسبتاً آرام، (۲) انتخابات چالش‌آفرین و (۳) بحران انتخاباتی. به نظر می‌رسد در چهار دهه گذشته وضعیت‌های امنیتی در انتخابات، فرایندی چرخه‌ای داشته است. در این نوشته روندها و برخی مسائل و چالش‌های سیاسی دو انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری بررسی و ارزیابی می‌گردد.

### ۱. برخی مختصات و روندهای انتخاباتی

هر چند مراحل اجرایی انتخابات مانند ثبت‌نام کاندیداها و مرحله تأیید صلاحیت‌ها در هیئت‌های اجرایی و نظارت از اواخر آذرماه سال جاری آغاز شد، ولی فضای سیاسی و اجتماعی کشور از ابتدای سال تحت تأثیر فعالیت‌های انتخاباتی جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و نیز کاندیداها و البته نمایندگان مجلس قرار داشته است. طرح استانی شدن انتخابات که در چند سال گذشته همواره از دغدغه‌های نمایندگان مجلس و جریان‌های سیاسی بوده، به مدت چند ماه فضای سیاسی - انتخاباتی کشور را به خود درگیر نمود و رویکرد دو قطبی را در میان تمام رسانه‌ها، داوطلبان متمایل به کاندیداتوری و جریان‌های سیاسی ایجاد کرد و مزایا و معایب این طرح به طور گسترده‌ای طرح گردید. همچنین لایحه شفافیت مالی هزینه‌های انتخابات مجلس از دیگر موضوعاتی بود که در پاییز گذشته، توجه رسانه‌ها و محافل را به خود جلب کرده بود که نهایتاً با عدم پذیرش اولویت دو فوریتی آن از طرف اکثریت نمایندگان مجلس در آذرماه بررسی آن به زمانی دیگر موکول شد. اما فرایندهای سیاسی و اجتماعی انتخابات با ثبت‌نام از داوطلبان دو مجلس در اواخر آذرماه به صورت رسمی شروع شد. طبق اعلام ستاد انتخابات کشور برخی آمار انتخاباتی بدین صورت است؛ در انتخابات پیش‌رو ۵۴ میلیون و ۹۱۵ هزار و ۲۴ نفر واجد شرایط رأی دادن هستند که نسبت به انتخابات سال ۱۳۹۲ بیش از ۴٫۵ میلیون نفر افزایش یافته است. در این انتخابات نزدیک به یک میلیون نفر کادر اجرایی، نظارتی و انتظامی - امنیتی در ۱۲۰ هزار صندوق رأی متصدی برگزاری انتخابات خواهند بود. برای انتخابات مجلس ۲۰۷ حوزه انتخاباتی اصلی و ۸۵۵ حوزه فرعی و برای انتخابات خبرگان نیز ۳۱ حوزه اصلی و ۱۰۳۱ حوزه فرعی در نظر گرفته شده است. چنین تعداد حوزه‌ها و نیروهای دولتی و غیردولتی درگیر در برگزاری انتخابات بیانگر وسعت فعالیت‌ها و اهمیت سیاسی و امنیتی موضوع در عرصه میدانی در سطح ملی و محلی می‌باشد. بر

اساس آمار رسمی وزارت کشور ۱۲ هزار و ۱۲۳ نفر برای انتخابات دهمین دوره مجلس و ۸۰۱ نفر برای پنجمین انتخابات خبرگان رهبری ثبت نام کردند. از مجموع ۱۲ هزار و ۱۲۳ داوطلب شرکت در رقابت‌های پارلمانی، ۵۸۰ نفر پس از ثبت نام و ۲۹۶ نفر هم در زمان بررسی صلاحیت‌ها انصراف داده و ۸۱۴ نفر نیز از سوی هیأت‌های اجرایی رد صلاحیت شدند. بر مبنای استعلام از مراجع چهارگانه (دادگستری، نیروی انتظامی، ثبت احوال و وزارت اطلاعات) صلاحیت قریب به ۱۱ هزار نفر (۹۳ درصد) از نامزدهای انتخابات دهمین دوره مجلس توسط هیئت‌های اجرایی تأیید گردید. همچنین از میان ۸۰۱ داوطلب مجلس خبرگان رهبری ۱۶۳ نفر برای رقابت‌های انتخاباتی تأیید صلاحیت شدند. جدول زیر نسبت تعداد داوطلبان با درصد تأییدشدگان و ارتباط آن با میزان مشارکت در دوره‌های نه‌گانه را نشان می‌دهد.

در توضیح داده‌های آماری این جدول در ده دوره انتخابات مجلس چند نکته لازم به ذکر است؛ نخست اینکه در تعداد ثبت‌نام‌کنندگان یا داوطلبان انتخابات دهم نسبت به دوره نهم تفاوت معنی‌داری وجود دارد که حاکی از رشد ۲۲۵ درصدی می‌باشد و چنان‌چه توجهی به آمار دوره‌های قبل نشود، برخی نگرانی‌ها و مواضع شخصیت‌ها و برخی نهادها قابل فهم است. در واقع هر چند رشد بی‌سابقه‌ای در ثبت‌نام داوطلبان انتخاباتی در این دوره نسبت به دوره نهم وجود دارد، ولی این رشد در تداوم ۹ دوره پیش یک نظم منطقی را نشان می‌دهد. بدین صورت که این رشد از انتخابات اول تا دوره هفتم (۱۳۸۲) که تعداد داوطلبان به بیش از ۸ هزار نفر می‌رسد، با توجه به رشد جمعیت، رشد



تهران و کلان‌شهرها در چنین دوره‌های انتخاباتی مجلس افزایش ۲۵ تا بیش از ۶۰ درصدی را نشان می‌دهد و این امر نشان‌دهنده تأثیر و نقش کم و کیف روند بررسی صلاحیت‌های داوطلبان در افکار عمومی و فضای سیاسی کشور می‌باشد.

دوره انتخاباتی	تعداد ثبت‌نام‌کننده‌ها	رد صلاحیت شدگان و منصرفین	تأیید شدگان	درصد رد صلاحیت‌ها	میزان مشارکت
اول	۳۶۹۴	۱۶۹۴	۲۰۰۰	۴۶	۵۲,۱
دوم	۱۵۹۲	۳۱۷	۱۲۷۵	۲۰	۶۳,۱
سوم	۱۹۹۹	۳۸۴	۱۶۱۵	۱۹	۵۷,۵
چهارم	۳۲۳۳	۹۲۳	۲۳۱۰	۲۸,۵	۵۷,۸
پنجم	۵۳۶۵	۲۰۸۹	۳۲۷۶	۳۹	۷۱,۱
ششم	۶۸۵۳	۱۷۷۰	۵۰۸۳	۲۶	۶۷,۳
هفتم	۸۱۶۷	۳۶۱۳	۴۵۵۹	۴۴	۵۱,۲
هشتم	۷۵۹۵	۲۸۴۵	۴۷۵۵	۳۷,۵	۵۵,۴
نهم	۵۳۸۲	۱۸۳۹	۳۴۴۴	۳۵	۶۴
دهم	۱۲۱۲۳	۵۸۹۳	۶۲۳۰	۴۸,۶	-

## ۲. مسئله صلاحیت‌ها و مناقشات در سطح قوا

یکی از موضوعات مهم انتخاباتی که در چند دهه گذشته زمینه تنش بین شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر و وزارت کشور به عنوان نهاد مجری و نیز جریان‌ها و جناح‌های سیاسی را در پی داشته است، مسئله کیفیت و چگونگی تأیید صلاحیت کاندیداها بوده است. به ویژه زمانی که مانند انتخابات مجلس سوم، هفتم و البته انتخابات در حال برگزاری دهم گرایش‌های فکری و سیاسی این دو نهاد متفاوت از هم است. این موضوع از انتخابات مجلس سوم در سال ۱۳۶۷ که منجر به رد صلاحیت گسترده طیف موسوم به مجمع روحانیون در انتخابات شد، مطرح بوده است. موضوع تنش در مرحله اول به استصوابی یا استطلاعی بودن نظارت شورای نگهبان برمی‌گشت که در سال ۱۳۷۰ شورای نگهبان اصل ۹۹ قانون اساسی

شهرنشینی و به ویژه رشد چندصد درصدی در تحصیلات تکمیلی و نظام آموزش عالی طبیعی می‌باشد. اما نکته این است که این رشد پس از مسائل مجلس ششم با توجه به تغییری که در فضای سیاسی به وجود آمد، متوقف شده و پس از بحران انتخاباتی ۱۳۸۸ و نیز نظر به فضای سیاسی کاملاً متفاوت در انتخابات دوره نهم مجلس (۱۳۹۰) نسبت به دوره‌های قبل به حداقل رسید و تقریباً با تعداد داوطلبان انتخابات دوره پنجم (۱۳۷۴) برابر گردید. از این رو رشد فعلی ثبت‌نام‌ها در انتخابات حاضر در یک روند طبیعی تاریخی و با توجه به فضای سیاسی نسبتاً مساعد پس از انتخابات ۱۳۹۲ ریاست جمهوری قرار گرفته و بازگشت به تداوم رشد قبلی در تعداد ثبت‌نام‌ها چندان نگران‌کننده و یا غیرمنطقی نمی‌باشد. حتی چنین امعان نظری از سوی نخبگان و شخصیت‌های مستقل و نیز جریان‌های سیاسی برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی نشانه مثبتی برای گذار از فضای سیاسی امنیتی و عادی شدن مختصات عرصه سیاست می‌باشد. نکته دوم این که نتایج نهایی انتخابات در ۹ دوره پیشین نشان می‌دهد که همبستگی مستقیم و معناداری میان میزان مشارکت مردم با نسبت تأییدشدگان داوطلبان انتخابات وجود داشته است. در انتخابات دوره‌های اول، هفتم و هشتم که بیشترین رد صلاحیت دیده می‌شود، میزان مشارکت نیز نسبت به میانگین میزان مشارکت انتخابات مجلس پایین است. در صورتی که با افزایش تأیید صلاحیت‌ها در انتخابات دوره‌های دوم، پنجم، ششم و نهم، میزان مشارکت نسبت به حداقل مشارکت انتخابات در مجلس ۵ تا ۲۰ درصد افزایش یافته است و البته میزان مشارکت مردم

را تفسیر به نظارت استصوابی کرد و بر اساس قانون سال ۱۳۷۴ مجلس، نوع نظارت شورای نگهبان بر تمام انتخابات (به غیر از شوراها) استصوابی تعریف شد و بر مبنای آن نظارت بر تمام مراحل از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها در حیطه صلاحیت شورا قرار گرفت. بر مبنای قانون انتخابات که در دو دهه گذشته چند بار مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته، استعلام از مراجع چهارگانه یاد شده مبنای رسیدگی به صلاحیت کاندیداهاست. با این حال شورای محترم نگهبان بر اساس قانون اساسی و تفسیر از شأن نظارتی خود، بارها اعلام کرده است؛ صرف پاسخ استعلام‌های مراجع فوق برای تأیید یا رد صلاحیت افراد کافی نیست، بلکه شورای نگهبان باید به وسیله ناظرین خود صلاحیت افراد را احراز کند و غیر از تأیید صلاحیت‌ها یا رد آن گزینه سومی نیز وجود دارد که این گزینه عدم احراز صلاحیت افراد است.

بر خلاف چنین رویه‌ای، مقامات وزارت کشور در مرحله ثبت نام از داوطلبان انتخابات صریحاً اعلام نمودند که در بررسی صلاحیت‌ها بر اساس نتایج استعلامات چهارگانه، کاندیداها تأیید و یا رد می‌شوند و گزینه‌ای به عنوان عدم احراز وجود ندارد و بر همین مبنا نزدیک به ۹۰ درصد داوطلبان نمایندگی مجلس تأیید شدند. اما بر اساس نتایج بررسی صلاحیت‌ها توسط هیأت‌های نظارت، صلاحیت نزدیک به ۳۰ درصد داوطلبان یعنی ۳ هزار و ۶۳۰ نفر احراز نشد و صلاحیت نزدیک به ۲۵ درصد یعنی ۳ هزار و ۳۰ نفر رد شد. با توجه به این ارقام بین نظر دو نهاد در خصوص صلاحیت داوطلبان شکاف رویکردی عمیقی دیده می‌شود و همین امر موجب واکنش ارکان دولت و شخص رئیس‌جمهور نسبت به رد صلاحیت‌ها و عدم احراز صلاحیت تعداد زیادی از داوطلبان یک جریان سیاسی گردید، به گونه‌ای که رئیس‌جمهور با تعابیر مختلف چند بار به این موضوع واکنش نشان داد.

آقای روحانی در نشست خبری ۲۷ دی پس از آغاز اجرایی شدن برنامه مشترک ایران و ۵+۱ در پاسخ به سؤالی در خصوص آمار رد صلاحیت‌ها برای انتخابات مجلس دهم گفت: «اطلاعات اولیه‌ای که به من دادند، خوشحال‌کننده نبود. در مرحله ثبت نام شاهد استقبال خوبی بودیم و نتایج بررسی‌های هیئت‌های اجرایی نیز امیدوارکننده بود، اما اکنون برخی احراز صلاحیت نشدند که امیدواریم شورای نگهبان به آن‌ها رسیدگی کند و اگر کسی احراز صلاحیت نشده، شورا دخالت کند و من نیز به عنوان رئیس‌جمهور از همه اختیاراتم

در این زمینه استفاده می‌کنم. شورای نگهبان نگذارد دلواپسی در کشور به وجود بیاید». همچنین رئیس‌جمهور در اول بهمن در همایش استانداران و فرمانداران سراسر کشور با انتقاد از روند موجود، به مسئله تأیید صلاحیت‌ها اشاره نمود؛ «مجلس شورای اسلامی نامش خانه ملت است نه خانه یک جناح؛ بگذاریم خانه ملت آئینه واقعی ملت باشد و متعلق به همه مردم. اگر قرار است یک جناح در انتخابات حضور داشته باشد و یک جناح نه، دیگر به چه دلیل انتخابات برگزار می‌کنیم؟»

آقای روحانی در موضعی دیگر با اشاره به مسئله صلاحیت‌ها بیان داشتند: «گاهی خوب کار می‌کنیم اما به گونه‌ای عمل می‌کنیم که در مردم بی خود شائبه‌ای ایجاد می‌شود، نباید شائبه مهندسی شدن انتخابات در ذهن هیچ کسی پیش بیاید و در همین راستا همه باید تلاش و فعالیت کنیم». موضع اخیر آقای روحانی این بود که؛ «حق الناس تنها به معنای حفظ رأی مردم نیست، بلکه باید کمک کنیم تا همه کسانی که طبق قانون صالح هستند، بتوانند در عرصه رقابت حضور پیدا کنند».

همچنین وزیر کشور با اشاره به پیگیری چند هفته‌ای بررسی صلاحیت‌ها در شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت طی گزارشی در ۲۵ بهمن اعلام نمود که «در این مسئله، سران سه قوه و مسئولان وارد شدند. حرف ما هم این بود که باید شرایط حداقلی برای رقابت شکل بگیرد و حق کسانی که صلاحیت دارند، از بین نرود. من جلسات متعددی با آقای جنتی داشتم و حتی پنج جلسه به دفتر رهبری هم رفتم که توصیه‌ها و ارجاعات متعددی از سوی دفتر رهبری به شورای

از نظر قانونی نمی‌توانیم آنها را رد صلاحیت کنیم، اشخاص نفوذی، افراد قابل شناسایی نیستند. تا جایی که قانون به ما اجازه دهد، اقدام می‌کنیم».

دبیر شورای نگهبان در مرحله بررسی صلاحیت‌ها، از هیئت‌هایی اجرایی انتقاد کرد که «خیلی زود بررسی صلاحیت نامزدها را از سر خودشان باز می‌کنند و کسی که در اطلاعات، ناجا و قوه سابقه‌ای ندارد، اعلام می‌کنند سابقه ندارد و باید تأیید شود». به نظر ایشان «شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها باید شهادت دهد که فرد مورد بررسی به ولایت فقیه و قانون اساسی اعتقاد دارد... در صورتی که امکان احراز صلاحیت نباشد می‌گوییم عدم احراز».

رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز با انتقاد از ثبت‌نام ۸۰۰ کاندیدا برای مجلس خبرگان، از جمله ثبت‌نام برخی از «زنان بدحجاب»، تأکید کرد که «اهداف دیگری پشت پرده این نام‌نویسی‌هاست». همچنین معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه در خصوص آمار داوطلبان انتخابات گفت: «هیئت‌های اجرایی و وظایفشان را درست انجام ندادند؛ شاهد بودیم که هیئت‌های اجرایی به استعلام‌های گرفته شده عمل نکردند. بررسی صلاحیت حق الناس است، یعنی اگر کسی که صلاحیت ندارد، اگر تأیید شود حق مردم ضایع شده است». وی نتیجه عدم انجام درست وظیفه هیئت‌های اجرایی را سخت شدن کار شورای نگهبان دانست. به نظر وی «فشار به شورای نگهبان با دو هدف دنبال می‌شود؛ اول اینکه شورای نگهبان دوباره اجازه دهد که هر فتنه‌گر و جاسوس وارد مجلس شود و هدف دیگر این است که برخی می‌خواهند پس از رد صلاحیت شدن بگویند شورای نگهبان بیش از اندازه مزیقه ایجاد کرده است؛ اما شورای نگهبان نشان داده طبق مَرِّ قانون به وظیفه خود عمل می‌کند».

خبرگزاری فارس نیز در یک چارچوب تحلیلی نوشت: «هیئت‌های اجرایی در انجام وظایف قانونی خود بیش از حد تساهل و تسامح به خرج داده‌اند و برخی افراد که پاسخ استعلام‌هایشان از یکی از ۴ منبع نیز منفی بوده را تأیید کردند. اصلاح‌طلبان می‌خواهند هزینه‌های انتخاباتی تأیید و رد صلاحیت‌ها را به پای شورای نگهبان بنویسند و علاوه بر این نوع فضا سازی، بگویند دولت بر قول و وعده خود ایستاده است». بنا به تحلیل این خبرگزاری؛ «با انتشار خبر تعداد افراد تأیید صلاحیت‌شده در سراسر کشور از سوی هیئت‌های اجرایی، نگرانی که برخی صاحب‌نظران از جمله دبیر شورای نگهبان در خصوص نهضت ثبت‌نام مطرح کرده بودند، بیشتر مورد توجه

نگهبان انجام شد و این توصیه‌ها نقش مؤثری در بررسی صلاحیت‌ها داشت. من با مسئولان نظام هم مکاتبه داشتم و لزوم رقابت انتخاباتی و تشویق مردم به حضور در انتخابات را یادآور شدم که نتیجه همه این تلاش‌ها تأیید صلاحیت ۱۵۰۰ نفر دیگر بود».

## ۲.۱. رویکردی امنیتی بر مسئله تعداد ثبت‌نام - صلاحیت‌ها

شخصیت‌ها و رسانه‌های جریان اصول‌گرا در تحلیل مسئله صلاحیت‌ها و در پاسخ به انتقادات دولت و رسانه‌ها و رهبران جریان اصلاحات به موضوعاتی مانند عدم انجام وظایف قانونی توسط هیئت‌های اجرایی، ایجاد هزینه برای شورای نگهبان و سوء استفاده از فرصت انتخابات برای نفوذ به ارکان نظام تأکید داشتند. مقامات شورای نگهبان و جناح اصول‌گرا استدلال‌های خود در مسئله صلاحیت‌ها را در چارچوب تحلیلی امنیتی ارائه نمودند؛ آنها افزایش قابل توجه ثبت‌نام‌ها نسبت به دوره قبل را با تعبیری مانند ثبت‌نام فله‌ای، سونامی ثبت‌نام، تأیید فله‌ای، نهضت شکایت و پروژۀ نفوذ و فرصت‌فتنه‌گری تعبیر کردند. دبیر شورای نگهبان چند روز پس از اتمام مرحله ثبت‌نام، با انتقاد از ثبت‌نام بیش از ۸۰۰ نفر برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری از جمله «افراد کت و شلواری» و زنان، «برخی جناح‌ها» را متهم کرد که افراد خود را برای ثبت‌نام در انتخابات مجلس خبرگان رهبری «بسیج» کرده‌اند و «به دنبال نفوذ افرادشان» به این مجلس، «به امید غفلت شورای نگهبان هستند». وی با تأکید بر اینکه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها «کوتاهی نمی‌کند»، افزود: «بعضی اوقات افرادی وجود دارند که

قرار گرفت؛ زیرا معرزه است جریانی که منجر به فتنه سال ۸۸ و آشوب‌های این چینی در کشور شد در تلاش است، از فرصت پیش آمده به بهترین نحوه استفاده خود را کرده و بار عدم احراز صلاحیت تعداد زیادی از جمع ۱۰ هزار نفره تأیید شده از سوی هیئت‌های اجرایی را به پای شورای نگهبان بریزد.»

روزنامه جوان در تحلیل‌های مختلفی نوشت؛ «اصلاح‌طلبان می‌خواهند هزینه رد صلاحیت‌ها را برای شورای نگهبان بالا ببرند. فصل مشترک شخصیت‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب، حمایت‌های متراکم و مستمر از نامزدهایی است که احتمال رد صلاحیت آنها توسط شورای نگهبان وجود دارد، تا بدین وسیله عرصه را به شورای نگهبان تنگ کرده و اعضای این شورا تحت چنین فشاری به حداقل تعداد ممکن رد صلاحیت‌ها تن در دهند. مدعیان اصلاح‌طلبی تلاش می‌کنند با تبلیغات گسترده روانی-رسانه‌ای علیه فعالیت‌های این شورا در انتخابات ابتدا «مشروعیت» این نهاد زیر سؤال برده شود و در کنار آن تصمیم‌گیری‌های مختلف اعضای آن «سیاسی - جناحی» عنوان شود تا بلکه این شورا در تصمیمات آینده خود به خصوص در حوزه رد صلاحیت افراد وابسته به جناح هنجارشکن در انتخابات مجلس دهم و خبرگان پنجم دچار خطا در محاسبات و اشتباه در تصمیمات شود.» همچنین دیگر رسانه‌های اصول‌گرا اعتراض گسترده به رد صلاحیت‌ها از سوی هیئت‌های نظارت را با عنوان «نهضت شکایت جریان اصلاحات و پروژه جدید آنها برای تخریب شورای نگهبان»، اعلام نمودند.

نکته مهم مشترک در واکنش‌های رسانه‌ها و یا شخصیت‌های جریان اصول‌گرا در موضوع بررسی صلاحیت‌ها، تحلیل موضوع در چارچوبی کاملاً امنیتی بود. بر این مبنای وزیر ارشاد دولت نهم بر مبنای چنین غیریت‌سازی هویتی - امنیتی اعلام کرد: «علت رد صلاحیت‌ها و جوسازی برخی از اصلاح‌طلبان در این زمینه، کسانی هستند که اصل انقلاب را قبول نداشته و یا دستشان به فتنه ۸۸ آلوده است. نظام به چنین کسانی می‌گوید از آنجا که خاستگاه فتنه جبهه اصلاحات بود و لزوماً هر اصلاح‌طلبی فتنه‌گر نیست و یک عده فتنه‌گر آشکار بودند و عده‌ای دیگر متهم هستند که در کنار آنها بودند اما از آنها فاصله نگرفتند، پس در نگاه نخست باید همه آنها را متهم دانست. زیرا همین کسانی که سکوت کردند در فرصت مناسب ممکن است در زمین ضدانقلاب بازی کنند. حرف نظام این است که موضع خود را روشن کنند و نظام ساده لوح نیست که به هر کسی اجازه دهد وارد مراکز حساس تصمیم‌گیری شود. از اینجاست که دفاع از

شورای نگهبان واجب است. شورای نگهبان دروازه‌بان اصلی نظام برای گل نخوردن از دشمن است. این جایگاه شناخته شده‌ای برای همه دنیا است.»

خبرگزاری تسنیم نیز در گزارشی از نشست سه هزار نفری دانشجویان بسیجی سراسر کشور در مصالای تهران، به نقل از سخنران این همایش نوشت: «انتخابات مجلس خبرگان رهبری و انتخابات مجلس شورای اسلامی تفاوت زیادی با انتخابات ادوار گذشته آن دارد. انتخابات در خبرگان رهبری و ادوار گذشته آن، هیچگاه رقابتی و در جهت چالش با نظام و تحمیل اراده جریان نفوذ نبوده اما در این دوره عده‌ای تلاش کردند از طریق نهضت ثبت‌نام و ایجاد جریانی در خبرگان رهبری، جریان نفوذ را به داخل مجلس خبرگان کشانده و چالش با نظام را در درون خبرگان رهبری ایجاد کنند. انتخابات مجلس دهم سیاسی نیست، این دوره انتخابی بر سر موضوع هندسه انقلاب اسلامی است و ما شاهد شکل‌گیری دو جریان انقلاب و ضد انقلاب خواهیم بود.»

## ۲.۲. رد صلاحیت‌ها و واکنش‌های سیاسی - اجتماعی

در میان جریان‌های سیاسی و اجتماعی، اصلاح‌طلبان و نیز نیروهای اعتدالی نزدیک به دولت، بیشترین اعتراض را نسبت به رد صلاحیت‌ها داشتند و به مدت چند هفته فضای رسانه‌ای، اجتماعی و محافل سیاسی و انتخاباتی کشور تحت تأثیر این اعتراضات قرار گرفت. شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، رد صلاحیت گسترده نامزدهای اصلاح‌طلب را از انتخابات مجلس «غیرقابل قبول» خواند و خواهان دخالت رئیس‌جمهور



گفت: «گام اول را در انتخابات ریاست جمهوری برداشتیم و در واقع مجلس شورای اسلامی گام دوم ما خواهد بود که در راستای تقویت منافع ملی و بهبود موقعیت منطقه و دور کردن آسیب‌ها این مسیر را ادامه خواهیم داد». او گفت: «ما مدافع مشارکت حداکثری مردم هستیم».

### ۲.۳. پیامدهای چالش بررسی صلاحیت‌ها

اگرچه برخی از شخصیت‌ها، رسانه‌ها و تشکل‌های جریان اصلاحات و مقامات دولتی واکنش نسبتاً عقلانی و منطقی در مواجهه با مسئله رد صلاحیت‌ها داشتند، با این حال این موضوع تا کنون پیامدهای چند وجهی را به وجود آورده که می‌تواند در مراحل بعدی انتخابات نیز دامنه‌دار شود. نخست این که چالش‌ها و تنش‌های موجود بین نهادهای حاکمیتی و جریان اصلاحات و نیز تنش بین دو جناح سیاسی و گفتمان فکری، زمینه لازم را برای ترمیم فضای سیاسی - امنیتی که پس از بحران انتخاباتی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آسیب دیده بود، از بین برد و اجازه نداد انتخابات به فرصتی برای کاهش شکاف‌های دو رویکرد فکری و جناح سیاسی نظام تبدیل شود و خط بطلانی بر تبعات اجتماعی و روانی بحران ۱۳۸۸ باشد. دوم، با وجود انگیزه و اراده جریان اصلاحات، عدم حضور کامل شخصیت‌ها و کاندیداهای آن در رقابت‌های انتخاباتی تأثیر مشخصی بر میزان بسیج سیاسی - اجتماعی و مشارکت انتخاباتی مردم به ویژه در تهران و شهرهای بزرگ خواهد داشت که در مجموع می‌تواند بر میزان مشارکت کل تأثیر منفی داشته باشد. سوم این که در میان تعداد زیادی از رد صلاحیت‌ها و یا عدم احراز صلاحیت‌شدگان علاوه بر داوطلبان جریان‌های سیاسی، کاندیداها و شخصیت‌های مستقل زیادی وجود داشتند که به ویژه در شهرستان‌ها دارای پایگاه اجتماعی و فعالیت‌های انتخاباتی طولانی و چند ساله بودند که طبعاً عدم حضور آنها در رقابت‌های انتخاباتی بر میزان حضور مردم در شهرهای کوچک تأثیر خواهد داشت و نهایتاً این که چالش‌های رخ داده در بررسی صلاحیت‌ها و پدیداری تنش کلامی در میان شخصیت‌ها و نهادهای نظام، موجب هجمه رسانه‌ای گسترده از طرف اپوزیسیون خارج‌نشین و نیز رسانه‌های دولت‌های معاند علیه نهادهای حاکمیتی با نام اصل انتخابات آزاد و سالم شد که این امر به لحاظ مشروعیت بین‌المللی و چهره بیرونی نظام نمی‌تواند چندان مطلوب باشد.

در این باره شد. یکی از اعضای این شورا با اشاره به اینکه «این میزان رد صلاحیت را در هیچ یک از دوره‌های انتخابات نداشتیم»، گفت: «این بزرگ‌ترین رد صلاحیت تاریخ بود؛ حتی این میزان رد صلاحیت در مجلس هفتم هم دیده نشده بود». دفتر سیاسی حزب اعتماد ملی با صدور بیانیه‌ای از رئیس جمهوری خواست، در عرصه سیاست داخلی نیز از حقوق شهروندی نامزدهای انتخاباتی و مردم ایران برای به دست آوردن فرصت انتخاب کاندیداهای مناسب برای مجالس خبرگان و شورای اسلامی دفاع کند. دیگر تشکل‌های این جریان در نامه‌ای به آقای روحانی با ابراز تاسف از رد صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس تصریح کردند که «این عملکرد اساس نظام را که باید به آراء مردم و جمهوریت و آزادی متکی باشد، با تهدید مواجه ساخته است. اینگونه مهندسی و تحدید آزادی انتخابات که هیئت‌های نظارت شورای نگهبان صرفاً مجری آن هستند، عواقب نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.» با وجود اعتراضات گسترده رسانه‌ای و اجتماعی جبهه اصلاحات، این جریان اعلام کرد که از عرصه انتخابات کناره‌گیری نمی‌کند. در این باره یکی از سران حزب کارگزاران با اشاره به اینکه «اعتقاد داریم اصلاح‌طلبی نیمی از سیاست کشور است»، گفت: «ما به این حضور ادامه خواهیم داد و به هیچ عنوان صحنه را ترک نخواهیم کرد. برای همین از رئیس جمهوری و رهبری درخواست داریم کمک کنند به اجحافی که به این نیمی از سیاست کشور شده خاتمه داده شود». یکی از اعضای حزب اتحاد ملت نیز، بعد از اولین جلسه شورای عالی اصلاح‌طلبان پس از اعلام رد صلاحیت‌ها

### ۳. انتخابات و تحول در فضای سیاسی - امنیتی

در غیاب احزاب پایدار در کشور، انتخابات مهم‌ترین مکانیزم پویایی عرصه سیاست، ظهور و افول گفتمان‌های سیاسی، پدیداری رخدادها و چالش‌های امنیتی، تقویت و بازیابی مشروعیت سیاسی، گردش نخبگان و ظهور شخصیت‌ها، ارتباط پراکتیک توده‌ها با عرصه سیاست، آشنایی و درگیری ذهنی و عملی گسترده بخش مهمی از جامعه با مسائل عینی رفتارها و واقعیت‌های انتخاباتی، فعال شدن شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی از طریق برگزاری همایش‌های انتخاباتی، رشد زمینه گفتگوهای انتقادی در محافل دانشگاهی، بهبود ظرفیت نقد و ارزیابی و آسیب‌شناسی سیاست‌ها و عملکرد نظام اجرایی و تقنینی و البته تغییر آرایش نیروهای سیاسی و احتمالاً نظام جناح‌بندی در کشور می‌باشد. این نکات را می‌توان مهمترین مؤلفه‌های ظرفیت‌ساز انتخابات در عرصه امنیت داخلی دانست. هر چند فعال شدن نیروهای اجتماعی و سیاسی در ایام انتخابات و یا مسائلی مانند تنش بر سر صلاحیت‌ها موجب وقوع و حدوث برخی چالش‌ها و رخدادهای ناامن‌کننده در کشور است، ولی در بلندمدت، انتخابات هم موجب تقویت مشروعیت سیاسی نظام در محیط بین‌المللی و هم زمینه‌ای برای عدم انجماد عرصه سیاست و پیشگیری از انسداد سیاسی بوده و به نوعی انتخابات را می‌توان سوپاپ اطمینان سیاسی در بلندمدت دانست. در میان کارویژه‌های احصاشده انتخابات، دو مؤلفه تقویت و یا کاهش ظرفیت امنیتی و نیز تغییر در آرایش نیروهای سیاسی و صورت‌بندی جناحی شاخص‌های برجسته در کاهش و افزایش امنیت سیاسی هستند. از این رو به اختصار به تأثیر انتخابات ۷ اسفند بر این دو مؤلفه پرداخته می‌شود.

#### ۳.۱ انتخابات و ظرفیت‌سازی امنیتی

بحران انتخاباتی ۱۳۸۸ موجب تغییر رادیکال در فضای سیاسی و نظام جناح‌بندی در جمهوری اسلامی شد. نظامی که بر مبنای دو گفتمان یا دو قرائت خاص از الگوی حکومت‌داری در سیاست داخلی و سیاست خارجی در طول سه دهه شکل گرفته بود و این جناح‌ها از طریق مکانیزم انتخابات ارکان حاکمیت را در اختیار می‌گرفتند. چالش‌های امنیتی دهه ۱۳۸۰ پس از انتخابات مجلس هفتم موجب تضعیف ساختاری و حذف گفتمانی جناح چپ اسلامی و راست میانه یا جریان اصلاحات از عرصه رسمی سیاست شد. انتخابات ریاست جمهوری یازدهم فرصتی بود تا نیروهای اجتماعی و تشکیلاتی جریان اصلاحات با راهبرد «مشارکت حداکثری و کاندیدای حداقلی»

به عرصه انتخابات و کنشگری سیاسی بازگردند. این انتخابات زمینه بازگشت تعادل و اعتدال به فضای سیاسی و اجتماعی کشور را فراهم آورد. وضعیتی که گذار از رادیکالیسم و انفعال و قهر سیاسی را عملی کرد. در راستای تقویت این روند و راهبرد، تئورسین‌ها و استراتژیست‌های اصلاحات از ابتدای سال جاری تمام فعالیت‌های انتخاباتی خود را برای حضوری پررنگ در عرصه سیاست ساماندهی نمودند. عناصر این راهبرد را در چند مرحله و چند مؤلفه می‌توان بر شمرده؛ نخستین راهبرد این جریان تلاش برای اعتمادسازی در ساختار نظام بود. مرعشی از حزب کارگزاران در تیرماه در ارزیابی این راهبرد می‌گوید: این موضوعی است که دلسوزان و عقلای اصلاح طلب طرح کرده‌اند چون با آسیب‌شناسی انتخابات‌های گذشته می‌دانند که اگر از راه تعامل با نظام و رهبری وارد نشوند، حتماً در پیچه شورای نگهبان برای آنها تنگ‌تر می‌شود و به‌سادگی از این فیلتر نخواهند گذشت. لذا راهبرد عقلانی و مدبرانه همین است که اعتدال داشته باشند و برای رسیدن به مجلس در چارچوب جمهوری اسلامی که نظام نسبت به آن نگرانی نداشته باشد، به سمتی حرکت کنند که نگاه شورای نگهبان نسبت به آنها ملایم‌تر شود».

راهبرد دوم این جریان تمرکز بر روی محمدرضا عارف به عنوان شخصیت مقبول نظام به عنوان گزینه ریاست مجلس است. جریان اصلاح طلب از یک سو با تمرکز بر روی شخصیتی معتدل در صدد تقویت انسجام درونی خود است و از سوی دیگر با ارسال علامتی معین برای حاکمیت در صدد جبران برخی خطاها و نیز بازگشت به درون آن می‌باشد. راهبرد سوم این جریان حمایت





هر چند بازگشت این جریان به عرصه رقابت‌های انتخاباتی با استقبال نهادهای حاکمیتی مواجه نگردید و صلاحیت طیف کثیری از کادرهای تشکیلاتی و فکری احزاب مختلف وابسته به گفتمان اصلاحات رد شده و یا احراز نشد، ولی اجتناب از قهر سیاسی و تصمیم به رقابت انتخاباتی در سراسر حوزه‌های انتخاباتی در شرایطی حداقلی و در کل بازگشت این جناح به عرصه سیاست نشان و دلیل مطلوبی در گذار از فضای امنیتی‌شده پس از بحران انتخاباتی ۱۳۸۸ به سوی عادی شدن عرصه سیاست است و چنین روندی را می‌توان از ظرفیت‌های امنیت‌ساز انتخابات هفتم اسفند در کوتاه مدت برشمرد. همچنین حتی حضور حداقلی کاندیداهای این جناح در رقابت‌های انتخاباتی می‌تواند زمینه بسیج اجتماعی و مشارکت بخش مهمی از حامیان این جریان در عرصه انتخابات را فراهم نماید که در واقع این امر نقش انتخابات را در تقویت پیوند نظام با بخشی از جامعه و گسترش پایگاه اجتماعی نظام، نشان می‌دهد.

### ۲.۳. انتخابات و تحول در آرایش نیروها و نظم جناحی

ثبات و پایداری نظام‌های حزبی و الگوی صورت‌بندی جریان‌ها و جناح‌ها یکی از شاخص‌های ثبات سیاسی در هر کشوری است چون استمرار قاعده‌مندی در ائتلاف‌ها و کاهش تغییرات رادیکال در انشعاب‌ها و ظهور و سقوط احزاب تأثیرگذار و پایدار حاکی از انتظام در عرصه سیاست و نمودی از تداوم مختصات امنیتی رژیم سیاسی به شمار می‌آید. در واقع تحول جدی و مستمر در آرایش نیروهای سیاسی بیانگر بی‌ثباتی سیاسی به واسطه تغییرات و تحولات عمیق و احیاناً ساختاری در عرصه سیاست و نشان‌دهنده تحول در پایگاه اجتماعی دولت و نیز ترکیب بازیگران و فعالان سیاسی بوده و پیش‌بینی‌پذیری و اعتماد به روندهای میان‌مدت و بلندمدت را کاهش می‌دهد. این امر هم برای کنش‌گران اقتصادی و مدنی داخلی و هم برای عناصر و عوامل نظام بین‌الملل نشانه و علامت مطلوبی نیست. از این حیث بررسی وقوع هر گونه تحول در آرایش نیروهای سیاسی از ضرورت‌های بررسی مسائل امنیتی مرتبط به انتخابات در جمهوری اسلامی تلقی می‌شود به ویژه این که با توجه به فقدان احزاب فراگیر در کشور، انتخابات مهمترین بستر پدیداری گفتمان‌ها و ظهور انشعاب و ائتلاف‌های انتخاباتی بوده است. این در حالی است که وضعیت آرایش و موقعیت ائتلاف‌های جریان‌ها و جناح‌های سیاسی در انتخابات سال جاری را می‌توان، تداوم مسائل و چالش‌های انتخابات دو ریاست

از استراتژی عقلانی «اعتدال» و همسویی با گفتمان و جریان دولت است. هر چند جریان اصلاحات با کناره‌گیری عارف از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و نیز حمایت تمام‌عیار از آقای روحانی مهمترین عامل پیروزی و به قدرت رسیدن جریان اعتدال بود، در عین حال بازگشت به درون و تعریف هویت خود در چارچوب گفتمان سیاسی آقای روحانی و جریان اعتدال و گذار به فهم واقعیت‌های سیاسی و ساختاری، تحول گفتمانی استراتژیکی در عرصه سیاست و در تاریخ جریان‌های سیاسی در ایران معاصر محسوب می‌شود. در همین چارچوب است که تداوم «استراتژی مشارکت حداکثری و مطالبه حداقلی» در طول فعالیت‌های انتخاباتی در دستور کار این جریان سیاسی قرار می‌گیرد. اولین بیانیه انتخاباتی شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در ۲۹ آذر بیانگر گذار به چنین راهبرد و رهیافت سیاسی می‌باشد. در این بیانیه آمده است؛ «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان بر این باور است که؛ دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی باید انتخاباتی بر پایه عقلانیت، اخلاق، آزادی، مدارا و قانون‌گرایی و در راستای تنش‌زدایی، اعتمادسازی داخلی و بین‌المللی، گفتگو، مشارکت، برابری جنسیتی، جوان‌باوری، تأمین امنیت همه‌جانبه و تقویت همه ابعاد مردم‌سالاری به‌ویژه ایجاد رونق اقتصادی و تأمین معیشت همه مردم باشد. چنین انتخاباتی می‌تواند با تقویت و تحکیم مبانی نظام و جایگاه والای رهبری آن، به توسعه و تعالی جامعه، رشد اقتصادی و توسعه پایدار کمک کند و زمینه‌ساز تحقق همه اصول قانون اساسی و مردم‌سالاری دینی شود».

جمهوری گذشته دانست. چنان چه راهبرد متفاوت دو جریان سیاسی و کاندیداهای آن‌ها در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۹۲ به آرایش سیاسی دوگفتمانی و البته غیرشفاف جناح‌ها در عرصه رقابت‌های انتخاباتی انجامید. به نظر می‌رسد با توجه به تمایزات خاص رقابت در انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان، تداوم راهبرد گذشته جناح‌ها، وضعیت پر ابهام پیشین را تشدید کرده است. به اختصار فرایند رویارویی دو جناح و نیز ائتلاف و انشعاب‌های درونی آنها بررسی می‌شود.

### اصول‌گرایان و ائتلاف ناکامل

با توجه به تجربه ناموفق اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، سران این جناح در طول سال جاری تلاش‌های مستمری را برای ایجاد یک ائتلاف فراگیر در میان تمام تشکل‌ها و جریان‌های اصول‌گرا آغاز کردند. در شهریورماه دبیرکل جبهه پایداری از تشکیل دبیرخانه پایداری، مؤتلفه و ایثارگران برای تدوین چارچوب‌های مشترک اصول‌گرایی خبر داد و آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله موحدی کرمانی و آیت‌الله محمد یزدی، به عنوان «فصل الخطاب» اصول‌گرایان معرفی شدند. وی گزارش داد که اصول‌گرایان تا کنون ۵۰۰ ساعت جلسه مشترک برگزار کرده‌اند و می‌خواهند روشی را برای وحدت و هماهنگی با یکدیگر پیدا کنند. وی محور توافق‌های کنونی نزد اصول‌گرایان را حفظ نظام، ارزش‌های انقلاب و اطاعت از ولی فقیه اعلام نمود. پس از این فعالیت‌ها گروه چهار نفره‌ای با حضور آقایان علی‌اکبر ناطق نوری، مرتضی مقتدایی، علی لاریجانی و علی‌اکبر ولایتی به منظور «ایجاد وحدت در میان اصول‌گرایان» تشکیل شد. اما آن‌گونه که مقتدایی به خبرگزاری تسنیم گفت؛ این گروه «بعد از سه جلسه به کار خود پایان داد». مقتدایی توضیح بیشتری درباره دلایل اعلام پایان کار این گروه چهار نفره ارائه نکرد، اما همزمان با اعلام پایان جلسات گروه چهار، اسدالله بادامچیان، عضو حزب مؤتلفه ایران اسلامی از تشکیل شورای مرکزی ائتلاف اصول‌گرایان خبر داد. سپس گروه هشت نفره‌ای به عنوان شورای هماهنگی ائتلاف اصول‌گرایان با مدیریت حداد عادل شکل گرفت و همین گروه هشت نفره در نامه‌ای به آیات عظام مصباح یزدی، محمد یزدی و موحدی کرمانی از آن‌ها خواست که مسئولیت تشکیل جبهه متحد اصول‌گرایان را برعهده بگیرند. در آذرماه آیت‌الله موحدی کرمانی اعلام کرد که شخصیت‌هایی

همچون آقایان محسن رضایی، قالیباف، لاریجانی، ولایتی، حداد عادل، جلیلی و احزاب و تشکل‌های اصول‌گرا از جمله ایثارگران، ره‌پویان، مؤتلفه اسلامی، پیروان خط امام و رهبری و جبهه پایداری تاکنون در ائتلاف اصول‌گرایان حضور دارند.

اما دو موضوع نزدیکی به دولت و حمایت یا عدم حمایت تشکیلاتی از گفتمان اعتدال باعث گردید دو جریان مهم اصول‌گرایی نتوانند به یک وحدت درونی برسند. در اواخر آذرماه رهروان ولایت (طیف علی لاریجانی) مشی مستقلی را انتخاب نمود و امکان وحدت میان اصول‌گرایان را منتفی ساخت. طبق بیانیه فراکسیون رهروان ولایت اعلام نمود که به صورت مستقل در انتخابات مجلس شرکت خواهد کرد و بدین ترتیب ائتلاف اصول‌گرایان یک ضلع اصلی و مهم خود را از دست داد. لاریجانی نیز هنگام ثبت‌نام در حوزه انتخابیه قم، اعلام کرد که به صورت مستقل در این انتخابات حضور دارد. کاظم جلالی دلیل جدایی لاریجانی از ائتلاف اصول‌گرایان را سوء استفاده برخی از جریان‌های اصول‌گرایی از تابلوی روحانیت عنوان کرد.

با توجه به راهبرد وحدت‌گرایانه رقیب، دیگر تشکل‌های اصول‌گرایان تلاش‌های خود را برای انسجام بیشتر ادامه داده و در ۱۱ دی‌ماه در مصلاهی تهران بزرگ‌ترین همایش خود را با هدف رسیدن به ائتلاف در انتخابات مجلس تشکیل دادند. در این همایش طیف‌های مختلف اصول‌گرایی حضور داشتند. نمایندگان قالیباف، محسن رضایی، جمعیت ره‌پویان، حزب مؤتلفه، جبهه پایداری، جبهه یکتا، فراکسیون

بیانیه ۶ ماده‌ای اصول‌گرایان مبنی بر ضرورت وحدت و همدلی همهٔ تشکل‌ها و جمعیت‌ها و انجمن‌ها و نیروهای اصولگرا در انتخابات نشانگر چنین نگرانی گسترده نسبت به وحدت این جریان در عرصه رقابت انتخاباتی بوده است. بر همین مبنا است که سخنگوی شورای ائتلاف در ۲۷ بهمن از اصول‌گرایانی که در فهرست قرار نگرفتند، درخواست نمود «به خاطر خدا»، انصراف دهند.

### اصلاح‌طلبان و تداوم انسجام در گام دوم

چنان که اشاره شد روند فعالیت‌های انتخاباتی جریان اصلاحات در تداوم رویه و تجربه انتخابات سال ۱۳۹۲ شکل گرفت. بر همین مبنا چارچوب فعالیت‌ها و مواضع این جناح تا حدودی شکل گرفته و تعارضات سیاسی و راهبردی کمتری بین تشکل و شخصیت‌های سیاسی آن وجود داشت. بر همین مبنا محمدرضا عارف رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در گزارشی اعلام نمود که جبهه اصلاحات با بهره‌گیری از الگوی انتخابات ۹۲ با وحدت و همگرایی تلاش می‌کنند اولاً سطح مشارکت در انتخابات مجلس را افزایش دهند و ثانیاً اصلاح‌طلبان با ارائه یک لیست واحد درصدد کسب اکثریت کرسی‌های مجلس هستند. جلسات برگزار شده شورای عالی سیاست‌گذاری انتخاباتی اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد که این طیف با وحدت لازم به دنبال تکمیل پروژه انتخابات ۹۲ در انتخابات مجلس هستند.

یکی از نگرانی‌های این جناح تا چند هفته مانده به ۷ اسفند، جدایی و فعالیت مستقل جریان اعتدالی و طرفدار دولت، از اصلاح‌طلبان و در مقابل تأکید بر تداوم ائتلاف و همسویی دو طیف بوده است. باتوجه به برخی اختلاف‌نظرها بین دو جریان در ارائه لیست واحد و عدم حضور حزب اعتدال و توسعه در جلسات شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، عارف در ضرورت وحدت بین دو جریان در آستانه ارائه فهرست انتخاباتی برای تهران تأکید نمود؛ «اگر در سال ۹۲ به صورت اختیار این ائتلاف اتفاق افتاد و نتیجه را دیدیم، برای سال ۹۴ این همگرایی ضرورت است». هر چند طیف اعتدالی حامی دولت در طول چند ماه اعلام کرده بود که در تهران و کل کشور لیست مستقلی ارائه خواهد نمود، اما به نظر می‌رسد دو موضوع؛ نخست اجماع نسبتاً فراگیر در میان بدنهٔ اصلی تشکل‌های اصول‌گرا و دوم مسئلهٔ رد صلاحیت گسترده کاندیداهای اصلی دو جریان اصلاح‌طلب و اعتدالی در تهران و مراکز استان‌ها، باعث

رهروان ولایت، جمعیت ایثارگران، جمعیت آبادگران جوان، حزب سبز، حزب ایران زمین و جمعیت حامیان انقلاب اسلامی و برخی چهره‌های نزدیک به احمدی‌نژاد از جمله تشکل‌ها و شخصیت‌های حاضر در این همایش بودند. تجربهٔ تلخ انتخابات ۱۳۹۲ از عوامل مهم هم‌گرایی نسبتاً فراگیر این جریان بود. اصول‌گرایان پس از رایزنی‌های طولانی توانستند لیست مشترکی را ۱۹ بهمن در تهران و برخی شهرهای بزرگ با عنوان جبهه متحد اصول‌گرایان منتشر کنند. این جبهه تا کنون (۲۹ بهمن) برای ۱۲۰ حوزه انتخابی کاندیدا معرفی کرده است.

انتشار فهرست تهران و برخی شهرهای بزرگ در درون اصول‌گرایان با بحث و سئوالاتی مواجه شد مبنی بر این که چرا سهم تشکلی مانند جبهه پایداری در این فهرست‌ها زیاد و سهم جبهه پیروان خط امام و رهبری با ۱۷ تشکل اصول‌گرا کم می‌باشد. همین امر باعث شد که برخی از کاندیداها و تشکل‌های معترض به فکر لیست دوم در انتخابات باشند و رایزنی‌ها در این خصوص ادامه دارد. همچنین جدایی طیف لاریجانی و حضور برخی از نمایندگان شاخص نزدیک به وی در لیست رقیب و نیز ارائه فهرست مستقل دیگر از طرف برخی اصول‌گرایان منتقد مانند علی مطهری با عنوان فهرست صدای ملت نشان‌گر عدم اجماع جریان اصول‌گرا در دستیابی به وحدت کامل می‌باشد. بر همین مبنا آیت‌الله موحدی کرمانی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز چند بار هشدار داده که حضور پر تعدد احساس تکلیف‌کنندگان اصول‌گرا در انتخابات مجلس به نفع رقیب و باعث شکستن رأی جبهه اصول‌گرای خواهد شد. سه بند از

چالش‌های امنیتی و سیاسی که در دوره‌های پیشین انتخابات در پیوند برخی جریان‌ها و بخشی از نیروهای اجتماعی با عرصه سیاست و نظام وجود داشت، تا حدودی تخفیف یافت و فضای کاملاً امنیتی توأم با بی‌اعتمادی که در انتخابات دوره نهم وجود داشت، به سمت نوعی اعتماد و بازسازی فضای سیاست حرکت کرد که این امر در تداوم مزیت‌های انتخابات سال ۱۳۹۲ به لحاظ مشروعیت بین‌المللی و داخلی دستاورد بزرگی می‌تواند محسوب شود.

البته نکته مهمی که در برآورد برخی تهدیدات زمان برگزاری انتخابات وجود دارد، این است که با توجه به تجارب انتخابات مجلس سوم و مجلس ششم، اختلاف عمیقی که بین هیئت نظارت و اجرایی در خصوص تأیید صلاحیت وجود داشت، در موقع شمارش آرا و نتایج به تنش بزرگی بین دو نهاد اجرایی و نظارتی منجر شد و موجب ابطال بخش بزرگی از آرا به ویژه در تهران و برخی شهرها گردید. لذا یکی از نگرانی‌های مهم در خصوص انتخابات پیش‌رو، احتمال بروز تنش بین قوا و جریان‌های سیاسی در مورد نتایج آرا می‌باشد.

شد که این دو طیف به هم نزدیک شده و لاقفل در تهران و برخی شهرهای بزرگ به اجماع برسند. بر همین مبنا بود که این دو طیف فهرست واحدی را در ۲۸ بهمن با شعار «امید، آرامش و رونق اقتصادی» برای تهران منتشر کردند که در این لیست اسامی برخی چهره‌های معتدل اصول‌گرا نیز مانند علی مطهری و کاظم جلالی وجود دارد.

با توجه به این توضیحات به طور مشخص در تهران سه فهرست اصلی جریان اصول‌گرا، اصلاح‌طلب-اعتدالی و صدای ملت تا قبل از آغاز رسمی تبلیغات انتخاباتی انتشار یافته و به نظر می‌رسد فهرست دوم اصول‌گرایان و فهرست کاندیداهای مستقل نیز به این فهرست‌ها اضافه شود. با این حال رقابت اصلی بین دو فهرست اصلی دو جناح سیاسی خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

چنان که در مقدمه اشاره شد در ۳۴ دوره انتخابات در جمهوری اسلامی، سه وضعیت امنیتی «انتخابات نسبتاً آرام»، «انتخابات چالش‌آفرین» و «بحران انتخاباتی» وجود داشته است. بررسی روندهای انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره خبرگان نشان داد که از منظر امنیتی این دوره از انتخابات در چارچوب الگوی انتخابات چالش‌آفرین قابل تحلیل و ارزیابی است. مسئله بررسی صلاحیت داوطلبان یکی از چالش‌های بزرگ این دوره از انتخابات بود که موجب تنش قابل تأملی بین نهادها و شخصیت‌های نظام و نیز جریان‌های سیاسی گردید. بی‌اعتمادی جریان‌های سیاسی به همدیگر و تعبیر و تفسیر امنیتی از تحرکات و فعالیت‌های انتخاباتی جناح رقیب یکی از مسائل مهمی است که تا حدودی به لحاظ کنش کلامی، وضعیت پر تنش را بر رسانه‌ها و جریان‌ها حاکم نمود که این امر را می‌توان یکی از پیامدهای بحران انتخاباتی دهمین دوره ریاست جمهوری دانست. یکی دیگر از چالش‌های نسبی فرایندهای انتخاباتی، تغییر نسبی در نظام صورت‌بندی جناحی کشور و پدیداری ابهام بیشتر در ائتلاف‌های سیاسی و حزبی بود که طبعاً یکی از عوامل تضعیف قاعده‌مندی رفتارهای سیاسی در عرصه سیاست و غیرقابل پیش‌بینی شدن نتایج انتخابات و برخی پیامدهای رقابت‌های انتخاباتی است.

با وجود برخی چالش‌ها، انتخابات ۷ اسفند دارای وجوه مختلفی از ظرفیت‌های امنیت‌ساز بوده است. به این معنی که برخی

